

تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی از نظر میزان ارتباط آن با مفاهیم آموزش شهروندی

حسین احمدی مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران؛ محل خدمت:

اداره آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر، زنجان، ایران

Hosseinahmadi817@gmail.com

چکیده

تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره‌ی ابتدایی از نظر میزان ارتباط آن با مفاهیم آموزش این پژوهش با عنوان انجام گرفته است. جامعه آماری، کلیه کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی است. نمونه آماری، کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) شهروندی پنج پایه ابتدایی می‌باشد. هدف پژوهش تعیین فراوانی کاربرد مفاهیم آموزش شهروندی در تدوین محتوای کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی (بخوانیم و بنویسیم) در حیطه دانش، ارزش‌ها و نگرش‌ها و مهارت‌هاست. روش پژوهش از نوع تحقیق توصیفی است و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حیطه‌ی شناختی مفهوم تنوع (این ویژگی شامل شناخت و آگاهی وسیع و گسترده از شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها، سهم فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و عقاید مختلف و متنوع در زندگی انسان‌ها و آگاهی و شناخت از ماهیت تبعیض و روش‌های مقابله با آن است) در دو کتاب بخوانیم و بنویسیم پایه دوم بیش‌ترین درصد فراوانی داشته است. و در حیطه ارزشی و نگرشی ارزش و احترام به تفاوت‌ها (این ویژگی شامل علاقه و نگرانی برای دیگران در محیطی گسترده، ارزش قائل شدن برای دیگران به عنوان کسانی که برابر ولی متفاوت هستند، علاقه‌مندی به یادگیری از تجربه‌های دیگران و افزایش احترام به تنوع و تفاوت‌ها است) در کتاب بخوانیم پایه دوم و بنویسیم پایه چهارم بیش‌ترین درصد فراوانی داشته است. و در حیطه مهارتی مفهوم استدلال کردن (این ویژگی شامل ابراز عقیده و نظر خود بر اساس دلیل و مدرک، بیان کردن مطالب بر اساس دلیل و مدرک، شروع کردن بحث با استفاده از مثال و مورد منطقی

و معقول می‌باشد) در کتاب بخوانیم پایه اول و در کتاب بنویسیم پایه دوم مؤلفه تفکر انتقادی بیش‌ترین درصد فراوانی را داشته‌اند. و بقیه مؤلفه‌ها به صورت سطحی و گذرا مطرح شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم)، آموزش شهروندی.

مقدمه

آموزش و پرورش مبدأ توسعه کلان کشور است. برای توسعه باید از آموزش و پرورش شروع کرد و این خود نیازمند آن است که ما آموزش و پرورش توسعه یافته باشیم. هم مسأله آموزش نشان می‌دهد که بدون یک نظام آموزش توسعه یافته، نمی‌توان به توسعه یافتگی نایل شد و هم بدون تربیت نسل آینده که هم توسعه یافته باشند، هم قطارهای توسعه را بر دوش ریل توانمندی‌های خود حمل کنند، دستیابی به توسعه میسر نمی‌شود. توسعه درون‌زا با اتکاء بر توان داخلی و ظرفیت‌های درون سیستمی و با اتکاء بر منابع مادی و معنوی و با رسیدن به مدل بومی می‌تواند هم قابلیت اجراء داشته باشد و هم تداوم پیدا کند. آموزش سنگ بنای نوسازی انسان است و نوسازی آموزشی یکی از ارکان مهم توسعه همه جانبه محسوب می‌شود (اسکندری و رفیعی فر، ۱۳۸۴، ۴۰).

در دوران کنونی شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات شهروندان مؤثر و آماده‌سازی شرایط و زمینه‌های لازم برای رشد و پرورش چنین شهروندانی یکی از مهم‌ترین دل مشغولی‌های تمامی نظام‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد. هم‌اکنون که بیش از یک قرن از استقرار آموزش و پرورش رسمی در ایران می‌گذرد به نظر می‌رسد مهمترین رسالت نظام که عبارت است از گسترش و تعمیق ارزش‌های انسانی در سطح جامعه مورد غفلت قرار گرفته و تلاش‌های انجام شده برای تربیت انسان‌های مطلوب در ابعاد آموزشی، پرورشی و مانند آن قرین موفقیت نبوده است. مهم‌ترین گواه این ادعا رشد یافتن نسل جدید در دوران نظام اجتماعی کشور به دور از ارزش‌های بومی ایران و شبیه شدن به بیگانگان می‌باشد. نخستین نشانه عزم راسخ برای تربیت شهروندی، وجود برنامه‌های درسی ویژه برای این امر است تا از طریق اجرای آن‌ها، دانش‌آموزان یک فضای دموکراتیک را تجربه نمایند. این چگونگی مستلزم آن است که مقامات، سیاستگذاران آموزشی و مدارس باز اندیشی مجددی را نسبت به موضوعات درسی سنتی برای تربیت شهروندی انجام دهند. با توجه به این که دوره‌ی تعلیمات ابتدایی (۷ تا ۱۲ سالگی) مناسب‌ترین دوره برای آموزش بسیاری از مطالب آموختنی است، مشروط به این که روش آموزش بر خصوصیات فکر کودک در این سنین منطبق باشد. در چنین شرایطی با اندک غفلتی ممکن است فعالیت‌های آموزشی از مسیر صحیح منحرف شود و نیروهای موجود صرف یادگیری مطالبی شود که مفید نیست (میرزاییگی، ۱۳۸۰، ۶۸).

بیان مسأله

جهان از آموزش و پرورش در تربیت شهروند خوب و مسئول انتظار بالایی دارد. به عنوان مثال، آموزش شهروندی منجر به اتحاد اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و دستیابی به شیوه‌های حل تعارض می‌شود؛ آموزش شهروندی، ابزار اصلی تربیت شهروندی است که بر اساس مقررات و قوانین زندگی می‌کنند و در اداره مردم‌سالارانه جامعه مشارکت می‌جویند؛ علاوه بر این نیز آموزش شهروندی دانش‌آموزان را آماده اشتغال و مشارکت در امور اجتماعی می‌نماید و سرانجام این که آموزش شهروندی موجب توسعه پایدار می‌شود (گوازی، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

آموزش شهروندی دانش‌آموزان را به مهارت‌هایی همچون رشد اعتماد به بیان عقاید شخصی، رشد مهارت‌های تشخیص دیدگاه‌ها، تجارب شخصی و گروهی، رشد مهارت‌های تفکر انتقادی در مباحث، رشد مهارت‌های همکاری و حل تعارض، اعتماد به نیروی خلاقیت، رشد مهارت‌های مشارکت دموکراتیک و به دست آوردن تجربه از عمل برای تغییر مجهز می‌کند (کلوگ و هولدن، ۲۰۱۱). برنامه‌های تربیت شهروندی به یکی از دوشکل زیر ارائه می‌شود:

۱- آموزش مستقیم تربیت شهروندی: در این شکل برنامه‌های آموزش شهروندی با توجه به ماهیت برنامه‌های درسی طراحی و در مرحله اجراء ارائه می‌شود.

۲- آموزش ضمنی تربیت شهروندی: در این شیوه مفاهیم و اصول آموزش شهروندی از طریق فعالیت‌های متنوع دنبال می‌گردد. در برنامه‌ریزی درسی برای آموزش شهروندی، باید سعی شود که اهداف، محتوا و روش‌های تدریس و ارزشیابی متناسب با عناصر تربیت شهروندی باشد، بنابراین لازم است که این مؤلفه‌ها را در زمینه آموزش شهروندی مورد تأکید قرار دهد. مقوله شهروندی از اهمیت فراوانی برخوردار است که شهروندانی مناسب و فرهیخته که از دانش، توانش و نگرش لازم برای زیست در یک جامعه مدنی برخوردار باشند، توان تحقق شعارهای مورد نظر در عرصه داخلی و بین‌المللی را به دست خواهند آورد. اگر چه برای جامعه مدنی، تعاریف و برداشت‌های مختلفی ارائه شده است، لذا پرداختن به اموری چون مشارکت‌گرایی، توسعه نهادهای ارتباطی، پاسخگو بودن در برابر ملت، تأمین حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، رقابت سالم، و مانند آن مستلزم آن است که نظام تعلیم و تربیت کشور، با عزمی راسخ و بنیادین برای تربیت شهروندانی مناسب و مؤثر به منظور زندگی و ایفای نقش در چنین فضایی اقدام نماید (محمدی، ۱۳۷۸، ۱۰۲).

در نظام آموزشی ایران با توجه به متمرکز بودن آن، کتاب درسی مهمترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی محسوب می‌شود. بنابراین کتاب درسی باید بر اساس اهداف آموزش و پرورش و متناسب با شیوه‌های نوین، به منظور ارتقاء کیفیت رشد دانش‌آموزان در تمام ابعاد و زمینه‌ها به ویژه ارزش‌های مطلوب جامعه، تدوین و تألیف گردد. در دهه‌های اخیر تغییرات مهمی در برنامه‌های درسی و به تبع آن

تغییراتی در تهیه و تنظیم کتاب‌ها و مواد آموزشی صورت گرفته که در راستای فعال کردن دانش آموزان در فعالیت‌های آموزشی بوده است. در سال‌های اخیر اصلاحات و تغییراتی را نیز در کتب دوران ابتدایی از جمله کتاب فارسی شاهد بوده‌ایم، این کتاب درسی یکی از عوامل انتقال مفاهیم شهروندی است. از آن‌جا که زبان در اجتماعات انسانی و در متن زندگی گروهی و روابط اجتماعی، به واسطه نیاز انسان‌ها به ارتباط بایکدیگر، پدید آمد و در یک روند طولانی چند هزار ساله اشکال گوناگونی به خود گرفت. از این جهت است که زبان را نهاد اجتماعی دانسته‌اند که مهم‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است. با تحول اجتماعات بشری و پیچیده‌تر شدن سازمان‌ها و روابط اجتماعی، زبان نیز به عنوان یک نظام ارتباطی و در جهت برآوردن نیازهای ارتباطی جامعه‌های گوناگون انسان، دچار تحول گردید و رفته رفته شکل کاملتری پیدا کرد (مدرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

با توجه به نقش شهروندی و آموزش آن و ضرورت آشنایی دانش‌آموزان با مؤلفه‌های آن به ویژه از طریق کتاب‌های درسی، علی‌الخصوص کتاب فارسی که از کتاب‌های دوره ابتدایی است و باید ایفاگر نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگون برای تحقق اهداف زبان آموزی، ارزشی و نگرشی، نگارشی، املایی، ادبی و مهارت‌های زندگی باشد تا دانش‌آموزان را برای زیستن متعالی و شناخت درست و دقیق زبان و فرهنگ و ادبیات میهن اسلامی آماده کند، مؤلفین و کارشناسان برنامه‌ریزی این درس باید تلاش بیشتری را به کار بگیرند تا محتوای این کتاب‌ها را پایه و اساس آموزش‌های بعدی مورد نظر قرار دهند (مهره چی، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

از جمله دلایلی که به انتخاب کتاب فارسی منجر شده، این است که معلمان و دانش‌آموزان در طول هفته در حدود دوازده ساعت با این کتاب سر و کار دارند (با توجه به برنامه کتاب معلم) و دیگر این که در حیطه ادبیات فارسی، نویسندگان و شاعران زیادی، اندیشه‌ها و عواطف سازنده و خلاق خود را در اثنای شعر یا نوشته‌ی خود بیان کرده‌اند، زیرا حیطه ادبیات جایگاه خوبی برای بیان مسائل سیاسی، اجتماعی، تاریخی، اخلاقی، تعلیمی و... بوده است و هر یک از قالب‌های ادبی نقش بسزایی در روند رو به رشد آگاهی فکری و اجتماعی داشته‌اند.

اهمیت و ضرورت:

یکی از دغدغه‌های مفهومی و ذهنی بین‌المللی جدید در عرصه آموزش و پرورش طی چند سال اخیر مسأله آموزش مؤلفه‌های شهروندی است (آشتیانی و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۲۵). آموزش شهروندی هم یک حق است و هم یک اجبار است. هر شهروند از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی خاص برخوردار است. آموزش شهروندی راهی است برای زندگی با یکدیگر که در آن فرد

در مسئولیت اجتماعی جامعه خود مشارکت می‌کند، به عبارتی می‌تواند منافع خود را تشخیص دهد و برای دستیابی به آن تلاش کند (کدیور، ۱۳۸۲، ۴۵).

هر جامعه‌ای هر قدر کوچک یا بزرگ باشد، آداب و سنن، نمادها و نشانه‌هایی از ارزش‌های ملی ویژه خود دارد و در چهارچوب این آداب، سنت‌ها، ارزش‌ها و سمبل‌ها است که روابط انسانی شکل می‌گیرد و رفتارها معین می‌شود. کودکان هر قوم در اوضاع و احوال اجتماعی خود در میان مردم با محیط خود، رشد می‌کنند و از راه تجربه و عمل با ارزش‌ها، نمادها و سنت‌های محیط زندگی خود آشنا می‌شوند و حقوق مربوط به خود و دیگران را می‌آموزند (خمارلو، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

در واقع برنامه درسی برای شهروندی دانش‌آموزان را ملزم می‌کند که متناسب با سن و رشد ذهنی و عقلی خود به توسعه دانش و فهم، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تحقیق و پژوهش بپردازند و در فعالیت‌های مختلف مشارکت فعال داشته و در برابر فعالیتی که انجام می‌دهند، احساس مسئولیت کنند. آموزش دادن مسائل و مشکلات بسیار مهمی که هم اکنون در جهان وجود دارد مانند گرسنگی، بی‌خانمانی و مسائل بهداشتی، جنگ و ... را می‌توان از طریق ابزاری چون کتاب درسی به دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و استاندارد و یکسان بودن آموزش و پیام‌های آن در کل کشور انجام داد. لذا این پژوهش بر روی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام می‌شود. زیرا این دوره مهم‌ترین دوره تحصیلی در تمام نظام‌های آموزش و پرورش جهان و از جمله ایران بوده، چرا که شکل‌گیر شخصیت و رشد همه جانبه در این دوره به میزان بیشتری صورت می‌گیرد. این دوره تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک است. بدین لحاظ توجه به آموزش ابتدایی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نظام آموزشی است و تلاش‌های اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در کنار فعالیت‌های تربیتی و پرورشی، تقویت شالوده اصلی و اولیه در این دوره است که یکی از روش‌های موجود برای افزایش توانمندی‌های کودکان در سنین اولیه تحصیل، محتوای آموزشی است. محتوای آموزشی، در کنار سایر عوامل مؤثر همچون روش تدریس معلم، فضای یادگیری، ارتباط متقابل دانش‌آموزان، وسایل کمک آموزشی، توانایی یادگیرنده و محتوای برنامه‌درسی از جمله عواملی هستند که هر کدام به گونه‌ای خاص در یادگیرنده مؤثرند (گل محمدی، ۱۳۷۹، ۱۴).

آموزش و پرورش ابتدایی نقطه شروع حرکتی طولانی و مهم از زندگی انسان است و چنان چه به برنامه‌ریزی این مرحله از آموزش و محتوای مندرج در کتاب‌ها به خوبی توجه شود و اصول و معیارهایی صحیح به اجرا درآید، گامی بزرگ برای تربیت انسان‌های مطلوب و شهروندی متناسب با جهان امروز و موقعیت‌های آینده او برداشته شده است. بنابراین کتاب‌های درسی یکی از عوامل اساسی در رشد و توسعه یادگیری شناختی کودکان در جهان امروز به حساب می‌آیند که تحلیل کتاب‌های

درسی می‌تواند دس اندرکاران آموزش و پرورش را در اتخاذ تصمیم‌های عاقلانه هنگام تهیه کتاب درسی برای استفاده در کلاس‌ها توانا سازد (امام جمعه، ۱۳۷۶، ص ۸۰).

از سویی دیگر، عوامل متعددی لزوم توجه به تربیت شهروندی را در برنامه‌های درسی توجه می‌کند از آن جمله می‌توان به تغییرات سریع سیاسی، مهاجرت‌های گسترده، وضعیت نامساعد اقتصادی، گسترش ارتباطات، جهانی شدن، حقوق بشر و محیط زیست اشاره کرد که هریک از آن‌ها می‌تواند به عنوان یک آسیب و چالش که دوام و بقاء هر جامعه را تهدید کند باشد اگر بدرستی با عوامل فوق برخورد نشود نمی‌توان از این آسیب‌ها و چالش‌ها در امان بود پس ضروری است که در مقوله تربیت شهروندی تحقیقات بیشتری انجام شود تا تمام اصول، رویکردها، روش‌ها و اهداف برنامه‌های شهروندی به طور واضح مشخص و روشن گردد تا راه بر تدوین و اجرای برنامه‌های درسی تربیت شهروندی هموار شود (مجلل چوبقلو، ۱۳۸۷، ۹۲).

کشور ایران هم از این قاعده و قوانین مستثنی نیست و برای این که از این چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی موجود در کشور در امان بماند و انسجام سیاسی، فرهنگی و ملی خویش را حفظ نماید باید به مقوله تربیت شهروندی بیش از پیش توجه شود.

پیشینه

ابراهیم‌پور (۱۳۸۹) در بررسی خود با عنوان تحلیل مفاهیم اخلاق شهروندی (مدنی) در آثار شاعران معاصر کودک (دهه‌ی ۴۰ تا دهه‌ی ۸۰) ارائه نموده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که شعر کودک معاصر در آثار چهره‌های شاخص شعر کودک مانند: کیانوش، ابراهیمی، رحماندوست، قاسم نیا، کشاورز، شعبان‌زاد، و... روشن شد تا حدودی این شعرا به این مقوله‌های اخلاق شهروندی پرداخته‌اند. شعبان‌زاد بیشتر از شعرای دیگر که، در پژوهش حاضر اشعار آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته به مؤلفه مدارا، عدالت‌خواهی، آستانه تحمل اجتماعی بالا، مساوات و نوع دوستی، و رحماندوست بیشتر از سایر شعرا به مؤلفه همکاری، همدردی و احترام به والدین پرداخته‌اند. در این مؤلفه‌ها نیز دارای سیر صعودی می‌باشند. همچنین نشان داده همه شعرا به مؤلفه صداقت و ظلم ستیزی و صلح طلبی توجه کمی داشته‌اند، در اشعار مربوط به کیانوش به مؤلفه همکاری بیش از سایر مؤلفه‌ها پرداخته شده بود هر چند مؤلفه قدرشناسی، همدردی، مساوات، و احترام به والدین نیز تا حدودی پرداخته بود (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۹، ۴۰).

اسفنجی (۱۳۸۷) در بررسی خود با عنوان محتوای کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی از نظر توجه به حقوق شهروندی انجام داده است. هدف این پژوهش، بررسی محتوای کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی از نظر توجه به حقوق شهروندی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق، کتاب‌های دوره‌ی پنج ساله ابتدایی که در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ تدریس می‌شده است. نتایج بررسی مربوط به احساس مسئولیت نسبت به

دیگران، و کم نشان داده است که بیشترین تعداد شاخص حقوق شهروندی ۳/۳۹ درصد مربوط به احساس مسئولیت نسبت به دیگران، و کمترین تعداد ۰/۷ درصد مربوط به شاخص برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی می باشد همچنین از بین ۵ پایه دوره ابتدایی کتاب های پایه چهارم با تعداد (۵/۵ درصد) بیشترین تعداد جملات مربوط به حقوق شهروندی را به خود اختصاص داده و کتاب های پایه اول (۰/۶۶ درصد) کمترین تعداد جملات مربوط به حقوق شهروندی را دارا هستند. از مقایسه درس ها نیز به این نتیجه رسیدیم که درس فارسی با (۶/۶۴ درصد) بیشترین و درس ریاضی با (۰/۲۸ درصد) کمترین میزان توجه به حقوق شهروندی را به خود اختصاص داده اند. گوازی (۱۳۸۶) در بررسی خود با عنوان مطالعه تطبیقی تحلیلی شیوه انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی و آموزش شهروندی در مقاطع آموزش ابتدایی ایران با سوئد ارائه نموده است. به استناد منابع و مباحث موجود در ادبیات تحقیق، در ایران شیوه انتخاب محتوا براساس رویکرد موضوعات درسی (رشته ای مجزا)، در حالی که در سوئد مبتنی بر موضوع و بر اساس رویکرد تلفیقی بین رشته ای است. همچنین در ایران مواد درسی تاریخ، مدنی و جغرافیا به طور سنتی و به صورت مجزا از هم سازماندهی می شود و محتوای برنامه درسی از علوم اجتماعی گرفته می شود و به آنچه که مراجع تصمیم گیری برای یادگیری بچه ها مهم می دانند، مبتنی است. در حالی که در سوئد برای سازماندهی تلفیقی برنامه درسی علوم اجتماعی همه رشته های درگیر در این برنامه درسی با مطالعه موضوع معینی در برنامه واحدی به نام مطالعات اجتماعی با هم پیوند می خورند. از ویژگی های آموزش شهروندی در ایران، وجود مدیریت و برنامه ریزی متمرکز سیستم آموزشی، حضور کم رنگ و ناچیز شکل های مدنی غیردولت «NGO» ها و عدم توجه به آن ها در سطح آموزش و پرورش، استفاده ناکافی از روش ها و شیوه های فعال و مشارکت جویانه و تکیه بر کتاب و جزوه محوری و عدم توجه به موضوع ها و مفاهیم مرتبط با تربیت شهروندی و جهانی در کتاب های درسی و برنامه های آموزشی و القای ارزش های خاص در مدارس ابتدایی است. در حالی که آموزش شهروندی در سوئد به شیوه تلفیقی و مبتنی بر رویکرد میان رشته ای و تعاملی بوده که با زندگی افراد در ارتباط است. چنین آموزشی در محیط آزادانه، حاکی از احترام متقابل، دور از هرگونه تعصب و تبعیض و مبتنی بر اصول انسانی، اخلاقی و جهان وطنی انجام می پذیرد و از چالش های تنوع اجتماعی آگاه بوده و علاوه بر مدرسه با همکاری والدین، جامعه و سازماندهی غیردولتی در راستای تربیت شهروند جهانی جهت زندگی در دهکده جهانی صورت می گیرد (محمدی، ۱۳۸۹، ۸۲).

مفیدی (۱۳۸۶) در بررسی خود با عنوان آموزش شهروندی و مردم سالاری به کودکان ارائه نموده است. او در پژوهش خود نیاز به شهروندانی آگاه و مسئول را از مهم ترین دلایل برقراری و اجباری نمودن سیستم آموزشی در سطوح پایه می داند. محقق مذکور، آموزش شهروندی و دموکراسی را اکتساب حد وسیعی از گرایش ها، اخلاقیات و پرهیزکاری ها می داند که کودکان آن ها را نه تنها از طریق کلاس های

علوم اجتماعی و مدنی بلکه در کل سیستم آموزشی می‌داند. مفیدی نظام تعلیم و تربیت ایران در زمینه‌های آموزش‌های مذکور چندان مؤفق نمی‌داند و این در حالی است که تحولات پرشتاب جهانی ایجاب می‌کند که کودکان و دانش آموزان در مراکز یادگیری علاوه بر یادگیری مهارت‌های اولیه با رفتارها و قابلیت‌های شهروندی و توانایی زیستن در یک جامعه مردم سالار آشنا شوند (برخورداری، ۱۳۸۷، ۱۴).

منوچهری (۱۳۸۶) در بررسی خود با عنوان مقایسه‌ای محتوای کتب درسی مقطع ابتدایی با ویژگی‌های شهروند جهانی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ ارائه نموده است. جامعه آماری مورد پژوهش کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داده که کتاب‌های درسی مورد نظر به صورت ناقص و گذرا به آموزش ویژگی‌های شهروند جهانی پرداخته‌اند (افتخارزاده، ۱۳۸۷، ۶۹).

واحدچوکده (۱۳۸۴) در بررسی خود با عنوان آسیب شناسی تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه نظری از نظر معلمان شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن توسط ارائه نموده است. این تحقیق به شناسایی ویژگی‌های (مسئولیت‌پذیری، وطن‌دوستی، انتقادگری، مشارکت‌جویی) است و نشان‌دهنده تأثیرات وسیع و عمیق برنامه درسی پنهان بر فراگیران می‌باشد و شکل منفی برنامه درسی پنهان را به عنوان آسیب‌های برنامه‌درسی پنهان بر تربیت شهروندی مورد توجه قرار داده است. در این تحقیق آسیب‌های برنامه‌درسی پنهان از سه عنصر جو اجتماعی، ساختار سازمانی و تعامل بین معلم و دانش آموز تشکیل شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ۳۶).

سجادی (۱۳۸۴) در تحقیق خود، چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیان می‌کند که موانع عدیده‌ای چون تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت، کمبود نهادهای مدنی دانش‌آموزان غیردولتی، عدم استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی، بی‌توجهی به مؤلفه‌های تربیت شهروندی، کتاب محوری، ارزشیابی محفوظات، نابرابری در توزیع برابر امکانات آموزشی برای دختران و پسران و... از جمله این چالش‌ها هستند. ایشان همچنین عدم توجه به موضوعات مرتبط با تربیت شهروندی در کتب آموزشی مدارس ایران است. او معتقد است که موضوعاتی نظیر آموزش حقوق بشر، آموزش حفاظت از محیط زیست، برخورد با بلایای طبیعی، اعتیاد و شیوه‌های پیش‌گیری از آن بایستی در کتب درسی مورد توجه قرار گیرد. (بیابان پور، ۱۳۸۳) در بررسی خود با عنوان میزان انطباق برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی با ویژگی‌های شهروندی از دیدگاه دبیران شهر تهران در سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳ ارائه نموده است. در این پژوهش، ۳۲ ویژگی برای یک شهروند خوب در جامعه ایران از دیدگاه دبیران مدارس متوسطه بررسی شد و اکثر این ویژگی‌ها به طور کلی مهم و قابل توجه ارزیابی شدند و تنها تفاوت‌های جزئی با توجه به متغیر جنسیت و سطح تحصیلات در این زمینه وجود داشت، اما این تفاوت‌ها در مجموع چشم گیر نبودند (ذکایی، ۱۳۸۴، ۲۵).

برخوردار (۱۳۸۱) در بررسی خود تحت عنوان تبیین و ارزیابی چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش ایران این یافته‌ها را ارائه نموده است. براساس فرضیه‌های تحقیق مشخص شد که تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش ایران دارای چالش‌هایی به شرح زیر است

مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی متمرکز؛

کمبود (NGO) ها و تشکلهای مدنی دانش‌آموزی و عدم توجه به آنها در سطح آموزش و پرورش؛ عدم استفاده از روش‌های تدریس فعال و مشارکتی؛ عدم توجه به موضوع‌های مرتبط با تربیت شهروندی در کتاب‌های درسی مدارس ایران از قبیل آموزش حقوق بشر، حفاظت از محیط‌زیست، برخورد با بلایای طبیعی، اعتیاد و شیوه‌های پیشگیری از آن. نتیجه‌گیری کلی پژوهش بیانگر این است که می‌توان موضوع تربیت مدنی را متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران وارد سیستم آموزشی نمود و برنامه درسی مدارس به ویژه درس تعلیمات اجتماعی را در این زمینه مورد اصلاح و بازنگری قرار داد (مجبی، ۱۳۸۴، ۱۵).

دیا (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی و ترسیم شهروند خوب و میزان انطباق برنامه‌های درسی با این ویژگی‌ها از دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی توسط ارائه نموده است. در این پژوهش، نزدیک به ۳۰ ویژگی برای یک شهروند خوب در جامعه‌ی ایران از دیدگاه معلمان مدارس راهنمایی بررسی شده و اکثر این ویژگی‌ها به طور کلی مهم و قابل توجه ارزیابی شدند، اگر چه تفاوت‌های جزئی با توجه به تغییر جنسیت در این زمینه وجود دارد، اما این تفاوت‌ها در مجموع چشم‌گیر نبود. یافته‌ی مهم دیگر این پژوهش، ارزیابی نسبتاً منفی مدارس، نسبت به میزان توجه به تربیت شهروندی در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی است. این نگرش با توجه به نظام آموزش و پرورش متمرکز ایران که در آن مدارس و معلمان فاقد امتیازات لازم برای اتخاذ تصمیم در خصوص برنامه‌های هستند و تصمیمات اساسی توسط برنامه‌ریزان در دفتر ستاد مرکزی و به دور از واقعیت‌ها و نیازهای محلی و منطقه‌ای اتخاذ می‌شود، نسبتاً طبیعی و منطقی است (دیا و اجاری، ۱۳۸۰، ۵۶).

بادکوبی، پورابراهیم و هادی‌پور (۱۳۷۹) در پژوهشی به ارزیابی وضعیت آگاهی آموزگاران مقطع دبستان شاغل در مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران در زمینه موضوعات زیست محیطی و روش‌های ارتقای آگاهی پرداخته‌اند. یافته‌ها بیانگر لزوم آموزش محیط زیست در جامعه و ضعف میزان اطلاع‌رسانی زیست محیطی می‌باشد. آموزگاران آشنایی چندانی با اقدامات آموزشی انجام شده توسط سازمان‌های متولی محیط‌زیست در جامعه و نیز گروه‌های غیردولتی حامی محیط زیست نداشته و علت اساسی نارضایتی آموزگاران از فعالیت‌های آموزشی انجام شده توسط سازمان‌های متولی حفظ

محیط زیست، عدم وجود آموزش کافی برای مردم بوده است که نیازمند برنامه ریزی راهبردی و اصولی می باشد (ملکی، ۱۳۸۵، ۶۸).

سرکارآرانی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان چالش های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم پرداخته است. موضوع جهانی شدن و چالش آن با نظام آموزش و پرورش را از چهار منظر مورد توجه قرار داده است:

۱- آموزش زیست محیطی؛

۲- حقوق شهروندی، مردم سالاری و آموزش و پرورش؛

۳- بین المللی کردن آموزش و پرورش؛

۴- نقش فناوری های نوین؛

ارتباطات و اطلاعات در آموزش و پرورش و در نهایت نتیجه گیری می کند که این موضوعات جنبه جهانی داشته و از حدود مرزهای ملی فراتر رفته و نسبت جامعه مدرسه را در قالب جدیدی تعریف می کند. نظام آموزش و پرورش از نظر ساختاری از شکل سنتی باید به شکل نوین درآمد تا بتواند هدف ها، برنامه ها، محتوا و روش های خود را به صورتی تبیین کند تا کودکان بتوانند همگام با تحولات زمان، مهارت های اساسی زندگی (خوداندیشی)، برقراری روابط انسانی مؤثر با دیگران، احساس صمیمیت و محبت با طبیعت، احترام به قواعد اجتماعی، مشارکت با دیگران در گروه های اجتماعی، شناخت درست فرهنگ بومی و آموزش لازم برای عضو جامعه جهانی شدن و ... را بیاموزند و در مدرسه امکان تمرین آن را پیدا کنند. (علیزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

لیندر و همکاران^۱ (۲۰۰۷) به بررسی دیدگاه معلمان در مورد آموزش شهروندی در دبیرستان های هلند پرداخته اند. در سال ۲۰۰۱ وزیر آموزش و پرورش هلند پیشنهاد کرده که آموزش شهروندی را برای تمامی مدارس در هلند اجباری کنند تا شهروند فعال و یکپارچگی اجتماعی را ایجاد کنند. معلمان باید این اهداف آموزشی را به صورت عینی در فعالیت هایشان انجام دهند. دیدگاه معلمان راجع به آموزش شهروندی چیست؟ مفهوم آموزش شهروندی و نقش معلمان در آن به صورت گسترده متفاوت است، و از لحاظ ارزشی و رشد ارزش ها فرق دارد. بررسی ها نشان داده که معلمان به طور قطعی تصمیم دارند تا به ارزش های معین برسند. معلمان می خواهند نا دانش آموزان به مهارت های تجزیه و تحلیل برسند، آگاهی از ارزش ها و همین طور آن ها می خواهند تا به پرورش ارزش های معین بپردازند کاکس و رایبسون^۲ (۲۰۰۶) افزایش مشارکت در مدارس ابتدایی و انجمن های کلاسی از طریق ارتباط دیداری را بررسی نموده اند. در زمینه آموزش شهروندی، اکثر مدارس ابتدایی بریتانیا اخیراً انجمن هایی را در مدرسه بر پا

1- Lander et al

2- Sue Cox and Anna Robinson

کرده‌اند. یافته‌های قبلی اهمیت فعالیت مشارکتی برای مشارکت دانش‌آموزان را بیان نموده است. این مقاله یک پروژه تحقیقاتی فعالیت محور با معلمان در سه مدرسه ابتدایی را نشان می‌دهد، که با آغاز مشاهده قوم‌نگاری از نشست‌های مدرسه و کلاس است. معلمان قادر بودند تا دانش‌آموزان و آن‌هایی که توانمند بودند را به درگیری تشویق کنند تا بتوانند نظری راجع به تصمیم‌گیری داشته باشند. هدف آموزش کودکان درباره‌ی نقش آینده‌شان به عنوان شهروند است و در فرآیند تصمیم‌گیری کودکان نقش داشته باشند.

آبراهام (۲۰۰۵)، به بررسی و مرور انواع مواد و منابع موجود برای آموزش معلمان می‌پردازد و اشاره می‌کند که احیاء و دوباره زنده کردن علاقه نسبت به شهروند جهانی، بعد از آموزش شهروندی یک موضوع قانونی در برنامه‌درسی انگلیس به شمار می‌آید. و همچنین بحث می‌کند که برای تولید منابع کمکی برای حمایت از معلمان و دانش‌آموزان، بخش غیردولتی (NGO) برای تأکید بر مهارت‌ها و ارزش‌ها، توجه بیشتر به شفاف‌سازی چهارچوب حقوق بشر و محترم شمردن هویت دانش‌آموزان و دانش و مهارت‌های سیاسی نیاز دارند.

روش پژوهش

بررسی انجام شده از نوع تحقیق توصیفی است و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش کمی و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد.

جامعه آماری نمونه

جامعه آماری این پژوهش، مجموعه کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی است. کتاب‌های مقطع ابتدایی عبارتند از: ریاضی، علوم اجتماعی، فارسی، علوم تجربی، و هدیه‌های آسمانی و هنر.

نمونه آماری

نمونه آماری شامل کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه‌های اول تا پنجم دوره‌ی ابتدایی در سال تحصیل ۹۶-۹۷ می‌باشد. نمونه انتخاب شده از نوع نمونه‌گیری از قبل معین یا غیرحادث می‌باشد. از جمله دلایلی که به انتخاب کتاب فارسی منجر شده، این است که معلمان و دانش‌آموزان در طول هفته در حدود دوازده ساعت با این کتاب سر و کار دارند (با توجه به برنامه کتاب معلم) و دیگر این که در حیطه‌ی ادبیات فارسی، نویسندگان و شاعران زیادی، اندیشه‌ها و عواطف سازنده و خلاق خود را در اثنای شعر یا نوشته‌ی خود بیان کرده‌اند، زیرا حیطه ادبیات جایگاه مناسبی برای بیان مسائل سیاسی،

اجتماعی، تاریخی، اخلاقی، تعلیمی و ... بوده است و هر یک از قالب‌های ادبی نقش بسزایی در روند روبه رشد آگاهی فکری و اجتماعی داشته‌اند.

ابزار اندازه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر ابزار اندازه‌گیری چک لیست‌های مؤلفه آموزش شهروندی آکسفام می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، جدول و نمودارها) استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، ابتدا متن را سطر به سطر مورد مطالعه قرار می‌دهیم و سپس مفاهیم مورد نظر در آن متن استخراج می‌شود، برای هر مفهوم جدول فراوانی و درصد آن مشخص می‌شود. در پایان هر کتاب جدول کل فراوانی و درصد فراوانی و فراوانی تجمعی مفاهیم مربوط در کتاب‌های فارسی محاسبه و سپس نمودار مربوط به هر جدول نیز تهیه شده است. بنابراین بحث و تفسیر و نتیجه‌گیری با توجه به نتایج به دست آمده می‌باشد. ضمناً یادآوری می‌شود که در بررسی درس به درس کتاب‌های فارسی (متن، پرسش‌ها، فعالیت‌ها، روان‌خوانی) طبق نظر استاد راهنما از کتاب معلم (راهنمای تدریس) نیز استفاده شده است تا منطبق با اهداف کتاب معلم نیز باشد و از هر گونه برداشت شخصی جلوگیری به عمل آمده است.

نتیجه‌گیری:

بررسی حاصل از پژوهش نشان داده است مؤلفه‌های آموزش شهروندی در کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) به صورت نابرابر در پایه‌های اول تا پنجم آورده شده‌اند و از نظر میزان پوشش در سه حیطه دانشی، ارزشی، و مهارتی از توازن مناسبی برخوردار نمی‌باشند. بررسی نشان می‌دهد که مفهوم تنوع در حیطه دانشی و شناخت (این ویژگی شامل شناخت و آگاهی وسیع و گسترده از شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها، سهم فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و عقاید مختلف و متنوع در زندگی انسان‌ها و آگاهی و شناخت از ماهیت تبعیض و روش‌های مقابله با آن است) در دو کتاب بخوانیم پایه دوم و بنویسیم همان پایه بیش‌ترین درصد فراوانی داشته است و بقیه مؤلفه‌های آن به صورت سطحی و گذرا مطرح شده‌اند. و در مورد حیطه‌ی ارزشی، ارزش و احترام به تفاوت‌ها) این ویژگی شامل علاقه و نگرانی برای دیگران در محیطی گسترده، ارزش قائل شدن برای دیگران به عنوان کسانی که برابر ولی متفاوت هستند، علاقه‌مندی به یادگیری از تجربه‌های دیگران و افزایش احترام به تنوع و تفاوت‌ها است) در کتاب بخوانیم پایه دوم و بنویسیم پایه چهارم بیش‌ترین درصد فراوانی داشته است در این مورد نیز مؤلفه‌های ارزشی و نگرشی از عملکرد ضعیفی برخوردار بوده است. و در حیطه مهارتی مفهوم استدلال کردن (این

ویژگی شامل ابراز عقیده و نظر خود بر اساس دلیل و مدرک، بیان کردن مطالب بر اساس دلیل و مدرک، شروع کردن بحث با استفاده از مثال و مورد منطقی و معقول می‌باشد) در کتاب بخوانیم پایه اول و در کتاب بنویسیم پایه دوم مفهوم تفکر انتقادی بیش‌ترین درصد فراوانی را داشته‌اند. و بقیه مؤلفه‌ها به صورت سطحی و گذرا مطرح شده‌اند. انتظار می‌رود که تمامی مفاهیم شهروندی به صورت یکسان در تمامی پایه‌ها توجه شوند و تنها به یک مفهوم توجه بیش از حد نشود. بنابراین حیطه ادبیات فارسی (شعر، داستان، قصه) جایگاه خوبی برای بیان مسائل سیاسی، اجتماعی و... می‌باشد و از آن جا که نظام آموزش و پرورش کشور ما کتاب محور است باید متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه خود و جهان باشد. در این راستا تحلیل محتوای کتاب‌های درسی برای دستیابی به اهداف آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

فهرست منابع و مآخذ

- آشتیانی، ملیحه؛ فتحی، کوروش؛ یمنی‌دوزی سرخابی، محمد، (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان، فصلنامه‌های نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۱۲۵.
- ابراهیم پور، حبیب، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و کارآفرینی سازمانی در دانشگاه محقق اردبیلی، دانشگاه محقق اردبیلی، ص ۴۰.
- اسکندری، حسن؛ رفیعی پور، شهرام، (۱۳۸۴)، برنامه جامع آموزش سلامت در مدارس، تهران: نشر مهرنوش، ص ۴۰.
- اسماعیلی، محمد، (۱۳۸۶)، بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی در شهر اصفهان، دو هفته‌نامه پرتو مهر، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، ص ۳۶.
- افتخارزاده، سیدفرهاد، (۱۳۸۷)، چهارچوب تربیت شهروند حرفه‌ای، نشریه گزارش گفت و گو، شماره ۱۷، خرداد و تیر، ص ۶۹.
- امام جمعه، سید محمدرضا، (۱۳۷۶)، تحلیل محتوی کتاب‌های علوم تجربی پایه سوم و چهارم ابتدایی در سال تحصیلی ۷۶-۷۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۸۰.
- برخورداری، مهین؛ جمشیدیان، عبدالرسول، (۱۳۸۷)، تربیت شهروندی (با تأکید بر مؤلفه‌ها)، اصفهان، جهاد دانشگاهی، ص ۱۴.
- چوبقلو مجلل، محمد علی، (۱۳۸۷)، طراحی الگو برنامه درسی تربیت شهروند مطلوب در ابعاد محلی، ملی و جهانی و مقایسه آن با برنامه درسی رسمی اجرا شده دوره ابتدایی ایران در سال تحصیلی ۸۶-۸۷، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ص ۹۲.
- خمارلو، توران، (۱۳۸۱)، کتاب کار مربی با کودک، تهران، انتشارات: آگاه، ص ۲۷.
- دیباواجاری، طلعت، (۱۳۸۰)، بررسی و ترسیم شهروند خوب و میزان انطباق برنامه‌های درسی با این ویژگی‌ها از دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران، ص ۵۶.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۳۸۴)، آموزش شهروندی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۹، ص ۲۵.
- کدیور، جمیله، (۱۳۸۲)، تعلیم و تربیت و جامعه جهانی، تهران، نشر پژوهشکده تعلیم و تربیت، ص ۴۵.
- گل محمدی، مهدیا، (۱۳۷۹)، نقد کتاب‌های دوره ابتدایی، نشر فرهنگ و پژوهش، ص ۱۴.
- گوازی، آرش، (۱۳۸۶)، تحلیل شیوه انتخاب و سازماندهی محتوی برنامه درسی مطالعات و آموزش شهروندی در دوره آموزش ابتدایی ایران با سوئد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه - علیزاده، سکینه، (۱۳۸۳)، آموزش تربیت شهروندی در کتب درسی، شهرداری، شهرکرد، انتشارات: زاگرس، ص ۱۷ طباطبائی، ص ۳۹.

- علیزاده، سکینه، (۱۳۸۳)، آموزش تربیت شهروندی در کتب درسی، شهرداری، شهرکرد، انتشارات: زاگرس، ص ۱۷.
- محبی، بهرام، (۱۳۸۴)، فلسفه حقوق بشر، گفتار چهاردهم: حقوق اساسی و حقوق شهروندی، پرتو مهر، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، ص ۱۵.
- محمدی، مجید، (۱۳۷۸)، جامعه مدنی ایران، تهران، انتشارات: نشر مرکز، ص ۱۰۲.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۸۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۰.
- ملکی، حامد، (۱۳۸۵)، راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره متوسطه، گروه علوم اجتماعی سازمان پژوهش و برنامه ریزی، تهران، انتشارات: اندیشه، ص ۶۸.
- مهره چی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، تحلیل محتوی کتاب فارسی جدیدالتالیف پایه سوم ابتدایی، ص ۸۵.
- میرزا بیگی، علی، (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی درسی و طرح درس، تهران، انتشارات: یسپرون، ص ۶۸.

___ Hlene Leenders, Wiel Veugelers and Ewoud De Kat(2008). Teachers views on citizenship education in secondary education in The Netherland. Cambridge Journal of Education.

___ Sue Cox and Anna Robinson- pant(2006). Enhancing participation in primary school and class councils through visual communication. Cambridge Journal of Education.

___ Ibrahim, tasneem(2005). Global citizenship education: mains reaming the curriculum? Cambridge journal of education.

